

درس خارج
فقه نظام عمران شهری
جلسه ۴۵ (نمادها)

۹۶/۰۱/۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِهِ الطَّاهِرِينَ

در جلسه پیش بیان شد یکی از مطالبی که در فقه عمران شهری باید رعایت شود، استفاده از دام برای نقل و انتقالات درون شهری است. استفاده از دام، جزء زندگی شهری است، نه اینکه استفاده از دام چیزی زائد باشد و اگر نشد هیچ اشکالی ندارد؛ زیرا از روایات و آیات استفاده می‌کنیم که سلامت زندگی شهری وابسته به استفاده از دام‌ها است.

همچنین بیان شد از آیات و روایات استفاده می‌شود که این استفاده هم اثر روانی دارد یعنی در سلامت روان افراد جامعه مؤثر است و هم اثر در سلامت جسمانی افراد جامعه دارد. قطعاً مسئله آلودگی هوا در شهرها، افسردگی، بیماری‌های مزمن خطرناک مانند سرطان و قند و چربی خون و غیره در نتیجه این وضعیتی است که در زندگی شهری به واسطه استفاده از وسایل نقلیه و عدم تحرک به وجود آمده است و این مسئله چیزی است که خود پزشکان می‌گویند و چیزی نیست که ما بخواهیم تنها خود مطرح کنیم.

از مجموع آیات و روایات استفاده می‌کنیم، اینکه بشر برای نقل و انتقال درون شهری بتواند از این وسایل نقلیه استفاده کند جزء مقوم زندگی اوست؛ فلذا اگر چنین نکند در زندگی‌اش خلل ایجاد خواهد شد. باید زندگی بشر را طوری تنظیم کنیم که مردم بتوانند در انتقالات شهری از چهارپایان استفاده کنند. نباید این استفاده از چهارپایان تبدیل به مسخره کردن شود.

گاهی عرض کرده‌ام و تأکید هم می‌کنیم که تمدن غرب، تمدن سرمایه‌داری است نه تمدن عقلانی؛ تمدن مبتنی بر منافع سرمایه‌داران است، نه تمدن مبتنی بر تأمین مصالح بشر با دید و نگاه عقلانی. لذا هر چیزی که مخالف با پول جمع کردن سرمایه‌داران باشد آن را مسخره و استهزاء می‌کنند. می‌گوییم خرسواری! و کاری شده که این اصطلاح پیش خود ما هم مضحک است، اما چرا؟! مگر چه عیبی دارد که این کار مسخره می‌شود؟ اگر بگوییم که زندگی شهری را طوری تنظیم کنید که مردم بتوانند با استفاده از چهارپا مسافتشان را طی کنند [آیا ایرادی دارد؟]. حالا یک نفری می‌خواهد یک کیلومتر راه برود، خب یا راه برود و یا از چهارپا استفاده کند.

وقتی مسئله کاربری‌ها پیش آمد در آنجا خواهیم گفت که باید مهندسین کاربری عمران شهری، طوری تنظیم شود که مردم برای برآوردن نیازهای معمولی‌شان ناچار باشند مقداری راه بروند. نه خیلی که نتوانند بلکه باید محله‌ها، خود شهر و مراکز خدماتی عمومی شهر طوری تنظیم شود تا کسی که می‌خواهد به این مراکز خدماتی سر بزند و نیازش را انجام دهد، ناچار به استفاده از وسایل نقلیه نشود. در اوایل بحث فقه عمران شهری گفتیم اصلاً توسعه شهری به طوری که امروزه متعارف است از پدیده‌های نظام سرمایه‌داری است نه از

پدیده‌های مربوط به عمران شهری از نگاه اسلام؛ [زیرا در فقه نظام شهری از نگاه اسلامی] هر شهری حد و حدودی دارد و وقتی شهری به یک حد خاص رسید باید سراغ شهر دیگری برویم و باید آن شهر دیگر هم با مقومات شهری تنظیم شود. لذا اگر این گونه شد، کسی که در شهری زندگی می‌کند، کم‌تر نیاز به وسایل نقلیه پیدا می‌کند و اگر کسی هم وسایل نقلیه خواست می‌توان اسب‌های کرایه‌ای در اختیار او قرار داد. وقتی می‌خواهد دو کیلومتر، چهار کیلومتر راه برود، سوار اسب بشود، برود و بیاید.

بنده خیلی روی این مسئله حساب کردم؛ اگر در تهران سوار اسب می‌شدیم از جنوب تهران تا شمال آن بهتر بود. ما گاهی که از عوارضی قم تا عوارضی تهران یک ساعت در راه هستیم اما از عوارضی تا مقصد حدود دو ساعت طول می‌کشد. یا یک بار از پاکستان پرواز کرده و دو ساعته به تهران رسیدیم، بعد از فرودگاه تا مقصد دو ساعت یا دو ساعت و نیم طول کشید. این چیست؟ آیا این کار عقلانی است یا غیر عقلانی؟ حتی اگر از دین و شرع هم که بگذریم کاملاً معلوم است که غیر عقلانی است.

حال چه ایرادی دارد که در مسافت‌های این شکلی از حیوانات استفاده کنیم؟ دو ساعت نشستن برای کسانی که مشکلات جسمانی؛ همچون قند و چربی خون و درد مفاصل دارند، مخصوصاً نشستن در ماشین مشکل است و در این سبک زندگی مشکلات تشدید می‌شود. چرا با دست خودمان یک جامعه بیمار درست کنیم؟! یک کسی در تهران بررسی کند که چند نفر انسان سالم در آنجا زندگی می‌کند؟ آدم سالم، نمی‌گوییم پنجاه ساله سالم، نه؛ از بیست و پنج سال به بالا را حساب کند و واقعاً ببیند از بیست و پنج سال به بالا، چند نفر سالم در این جمعیت پیدا می‌شود؟ در حال حاضر هشتاد درصد مردم مریض‌اند! خب این چه جامعه‌ای است؟! ما می‌گوییم این نتیجه بی‌عملی به این نکته است:

«وَالْخَيْلَ وَالْبِغَالَ وَالْحَمِيرَ لِتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا تَعْلَمُونَ»^۱

این «لترکبوها» نکته دارد؛ خداوند می‌گوید این‌ها را آفریده‌ایم که سوارشان شوید. اما آن قدر این حیوانات را رها کرده‌اند که در حال حاضر خوف انقراض این حیوانات وجود دارد.

ما نمی‌گوییم که وسایل نقلیه دیگر به کلی جمع شود بلکه حرف ما این است که در کنار وسایل نقلیه دیگر از این وسایل نقلیه خدادادی هم استفاده شود. ما می‌گوییم چرا شما این را رها کرده‌اید و نمی‌خواهیم بگوییم چرا از آن وسایل استفاده می‌کنید. به هر حال استفاده از وسایل نقلیه حیوانی در شهر ضرورت دارد، ما می‌گوییم در هر شهری باید زمینه استفاده از این وسایل نقلیه طبیعی، فراهم شود و نمی‌گوییم که آن دیگری نفی شود.

در حال حاضر در شهرهای بزرگ دنیا چنین چیزی وجود دارد؛ مثلاً وقتی در لندن زندگی می‌کردیم از نظر سرمایه‌داران این کار خیلی عقلایی و خوب این بود که یک راه‌های شهری برای اسب‌دارها درست کرده‌اند که همه از خانواده‌های سرمایه‌دار و سرمایه‌داران کلان و آن ارسطوکرات‌های دسته بالا بودند. آن‌ها سوار اسب‌هایشان می‌شدند و در جاده‌هایی که مخصوص اسب‌ها بود حرکت می‌کردند. اگر آن‌ها اگر سوار اسب شوند و یک جاده‌ای برایشان درست کنند که مخصوص خودشان باشد و در آن با این اسب‌ها حرکت کنند هیچ مخالفتی با تمدن ندارد، اما اگر بخواهیم برای مستضعفین چنین راهی را درست کنیم خلاف تمدن است؟! اصلاً یک نفری هست که پول ندارد سوار ماشین شود، یا اصلاً پول ندارد ماشین بخرد، می‌خواهد گاری یا درشکه داشته باشد. ما نمی‌توانیم اتوبوس درشکه‌ای درست کنیم؟ خب در اتوبوس مسافت را با ساعتی هشتاد کیلومتر بر ساعت می‌رود، این را بگو ساعتی بیست کیلومتر بر ساعت باشد. مگر چقدر می‌خواهیم در شهر حرکت کنیم؟

حرف ما این است که قطعاً باید راه این کار باز شود؛ یعنی آنچه این مشکل ترافیک و دود و غیره را حل می‌کند این راه است. این مشکلات مخصوص تهران هم نیست، بنده به پایتخت‌های بزرگ دنیا رفته‌ام؛ همه گرفتارند! شرق را رفته‌ام، غرب را هم رفته‌ام، همه گرفتار گرفتارند. در لندن که ما حضور داشتیم، در روز بیشتر از روزی یک کار را نمی‌توانستیم انجام دهیم؛ اگر کاری داشتیم و می‌خواستیم به آن مقصد برسیم گاهی دو ساعت طول می‌کشید، وقتی هم از مقصد برمی‌گشتیم، دو ساعت در راه طول می‌کشید، یک ساعت هم اگر در مقصد کار ما طول می‌کشید که جمعاً پنج ساعت، شش ساعت می‌شد. بعد دیگر نمی‌شد کار دیگری را انجام داد و خسته می‌شدیم، آن هم خستگی مفرط.

خب این چه زندگی است که برای مردم درست کرده‌اند؟! همین راهی که ما در طول دو ساعت به آنجا می‌رفتیم، اگر با الاغ می‌رفتیم، نیم‌ساعته می‌رسیدم؛ چراکه لازم نبود در ترافیک‌های سنگین و چراغ‌قرمزها و تقاطع‌ها و ایستادن‌ها وقت بگذاریم. یک ساعت که سوار الاغ باشی، می‌توان بیست تا سی کیلومتر راه را طی کرد!

من نمی‌خواهم بگویم فقط الاغ‌سواری کنیم؛ می‌شود اسب‌ها و قاطرهای ویژه‌ای را تربیت کرد، می‌توان درشکه‌های قشنگی به این‌ها بست. مگر عیب درشکه چه بود؟ در همین قم سوار درشکه می‌شدیم، هم زیبا و قشنگ و راحت بود؛ عیبش چه بود که جمعش کردند؟ ماشین هم باشد، درشکه هم باشد. اما در حال حاضر خودمان می‌آییم به مردم پول می‌دهیم که خواهش می‌کنیم بیاید ماشین بخرید. ۱۰۰ هزار تا ۲۵ میلیون تومان به مردم پول می‌دهیم که حتماً با این پول ماشین بخرید. اگر کمتر از این مبلغ، ده میلیون تومان را به هرکسی می‌دادید یک وسیله نقلیه غیر ماشین می‌خرید و خیلی هم برای مردم، بهتر بود.

بحث این مطلب هم به اتمام رسید. البته ما در نوشته‌ها یک مقدار بیشتر در این عرصه مطلب آورده‌ایم و بیان کرده‌ایم که اصلاً زندگی با دام حتی در خانه هم مطلوب شرع است. غیر از مسئله دام‌های مفید در نقل و انتقال، نگهداری از دام‌های خانگی هم توصیه شده است و این‌ها منافع اقتصادی هم دارند. اگر هر خانه‌ای یک باغچه‌ای داشته باشد که در آن مرغ نگهداری شود فواید زیادی دارد. این همه دولت برای مرغداری‌ها پول خرج می‌کند، سوبسید می‌دهد، جوجه‌ها را بین مرغداری‌ها تقسیم می‌کند. اما باید بگویند ما به خانه‌هایی که می‌توانند مرغ نگهداری کنند چهارتا جوجه می‌دهیم، بروند و خود پرورش دهند و سر یک ماه، یا دو ماه مرغ‌ها را از آن‌ها می‌خریم. ببینید چه تحول اقتصادی در مملکت ایجاد می‌شود؟! خب این‌ها چیزهایی است که در روایات تأکید شده است. بگذارید که مردم در خانه‌ها این کار را کنند؛ یعنی ما نمی‌توانیم در خانه، یک مرغ تربیت کرده یا چند تا تخم مرغ تولید کنیم؟ این چیزها که هزینه‌چندانی ندارد و در شرع ما به آن توصیه شده است.

نگهداری این‌گونه دام‌ها بحث دیگری دارد اما خواهش می‌کنم کسانی که در این عرصه‌ها کار می‌کنند، این مطالب را پیگیری کرده و شرم هم نکنند. این مطالبی که ما می‌گوییم امروزه در دنیا متوجه آن شده است؛ بیست سال پیش در یکی از مقالات انگلیسی می‌خواندم: -مضمونش این بود- آیا سرعت، مطلوب است؟ بحثش این بود که ما آمدیم تمدنمان را بر اساس شتاب، استوار کردیم و شتاب، مطلوب شد. بعد مفصل گفته بود که این زندگی که درست کرده‌ایم سبب شده است که از اول صبح که بلند می‌شویم همه مردم می‌دوند. من این را در شهرهای بزرگ دیده‌ام؛ این می‌دود که به اتوبوس برسد، آن می‌دود که به مترو برسد، همه هم دیرشان شده است، همه هم صبحانه نخورده‌اند. اصلاً نمی‌رسند که بخواهند صبحانه بخورند. نهار هم که نمی‌رسند بخورند و مجبورند سرپایی یک چیزی بخورند. بعد آنجا می‌گفت که این موضوع چقدر از لحاظ سلامتی بدن، ضرر دارد. زیرا این‌ها نه استراحت دارند و نه آرامش. خب این چه زندگی است که مبتنی بر شتاب برای مردم درست کرده‌ایم؟! و همه باید در آن بدوند. آن هم این‌گونه دویدنی که همراه با استرس است. این استرس هم از نتایج این نوع زندگی است و در این زندگی سلامت انسان از او گرفته شده است.

مطلب هجدهم از مطالبی که مربوط به عمران شهری است، مطلوبیت، بلکه لزوم رعایت نظافت در عمران شهری است. ما گاهی در بحث فقه نظام مطلبی را گفته‌ایم که گاهی یک عملی در فقه خُرد مستحب فردی است اما وقتی در فقه کلان می‌آید تبدیل به واجب می‌شود. یکی از مثال‌های آن همین حفظ نظافت است.

شاید برای نظافت فرد استفاده کنیم که منظور از «النظافة من الايمان»^۲ این است که مستحب است انسان پاک و نظیف باشد.

در روایت چنین آمده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ بِنَسِ الْعَبْدُ الْقَاذِرَةَ»^۳

این را قبلاً به مناسبت بحث اقتصاد مطرح کرده‌ایم که خداوند از بنده کثیف بدش می‌آید. معمولاً این مطلب را در فقه خُرد بر استحباب و استحباب مؤکد حمل می‌کنند اما وقتی در فقه کلان می‌آید [تبدیل به واجب می‌شود]. مدیریت شهری موظف است که نظافت شهری را رعایت کند؛ یعنی باید تدبیری بیندیشد که شهر، شهری پاکیزه باشد به دلیل اینکه تدبیر مصالح عامه مردم، مصالح الزامی - یعنی مصالحی که ترک آن‌ها موجب ضرر اساسی به زندگی مردم می‌زند - در مدیریت شهری کلان، واجب می‌شود، او باید کاری کند که مردم در فضایی تمیز و زیبا زندگی کنند. البته زیبایی مطلب جدایی است اما آن هم همین حکم را دارد.

روایاتی را در این زمینه وارد شده است که قبلاً آن را به مناسبت مطالب اقتصادی هم مطرح کردیم؛ از امام صادق علیه السلام نقل است:

«الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ الطُّوسِيُّ فِي الْأَمَالِي عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْفَحَّامِ عَنِ الْمَنْصُورِيِّ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَادِي عليه السلام عَنْ آبَائِهِ عَنِ الصَّادِقِ عليه السلام قَالَ: إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْجَمَالَ وَالتَّجَمُّلَ وَ يَكْرَهُ الْبُؤْسَ وَ التَّبَاؤُسَ فَإِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً أَحَبَّ أَنْ يَرَى عَلَيْهِ أَثَرَهَا قِيلَ كَيْفَ ذَلِكَ قَالَ يُنْظَفُ ثَوْبُهُ وَ يُطَيَّبُ رِيحُهُ وَ يُجَصِّصُ دَارُهُ وَ يَكْنُسُ أَفْنِيَّتُهُ حَتَّى إِنَّ السَّرَّاجَ قَبْلَ مَغِيبِ الشَّمْسِ يَنْفِي الْفَقْرَ وَ يَزِيدُ فِي الرِّزْقِ»^۴

در شرع تأکید شده است که پیراهن تمیز و خوشبو باشد و کسانی که می‌توانند به خودشان عطر بزنند. خانه‌ها گلی نباشد، با گچ، ظاهر خانه را تمیز کنند. اطراف خانه را جارو بزنند.

همان‌طور که بیان شد این فقه فردی است اما وقتی وارد فقه کلان می‌شود، تبدیل به واجب می‌شود؛ یعنی مدیریت شهری وظیفه دارد چنین کاری کند و باید تدابیر لازم برای این کار را فراهم کند. جالب این است که در روایت وارد شده است که جمع‌آوری نخاله‌ها و فضولات خانه‌ها باید قبل از غروب شمس و تاریکی انجام بگیرد و روایات زیادی در این زمینه وارد شده است.

مرحوم شیخ صدوق در حدیث مناهی چنین روایت می‌کند:

۲. نهج الفصاحة، ص: ۷۹۰

۳. الکافی (ط - الإسلامية)، ج ۶، ص: ۴۳۹

۴. وسائل الشیعة، ج ۵، ص: ۷

«قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ مُحَمَّدُ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ مُوسَى بْنِ بَابُوَيْهِ الْقُمِّيُّ الْقَفِيهِ نَزِيلُ الرَّيِّ مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ وَارْضَاهُ رُوِيَ عَنْ شُعَيْبِ بْنِ وَقْدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ زَيْدٍ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: نَهَى رَسُولُ اللَّهِ ﷺ ... وَ قَالَ لَا تُبَيِّنُوا الْقِمَامَةَ فِي بُيُوتِكُمْ وَ أَخْرِجُوهَا نَهَاراً فَإِنَّهَا مَقْعَدُ الشَّيْطَانِ ...»^۵

عرب به فضولات و آشغال‌های خانه «قِمَامَة» می‌گوید. یعنی آشغال‌ها را شب در خانه‌هایتان نگه ندارید و قبل از اینکه شب شود خانه را تمیز کنید و آشغال خانه را قبل از شب از خانه خارج کنید؛ چراکه جایگاه نشستن شیطان است.

هرچند که شیطان در روایات به معنای موجود زشت و آسیب‌رسان به انسان است و مصداق بارز آن همان ابلیس است اما شیطان آن موجودی است که هم آسیب جسمی و هم آسیب روحی می‌رساند. روایاتی با این مضمون وجود دارد که عدم رعایت نظافت، محیط شهر را محیطی غیر معنوی می‌کند؛ یعنی حتی برای حفظ معنویت باید این نظافت را رعایت نمود. مثلاً اگر می‌خواهیم مساجد پُر شود، این مطلب در مساجد تأکد پیدا می‌کند. حفظ نظافت مساجد، حفظ بوی خوب در مساجد این‌ها غیر از مسئله بهداشت جسمانی، تأثیر معنوی هم دارد.

در این باب روایات زیادی وجود دارد که به چند نمونه از آن‌ها اشاره می‌شود. از رسول اکرم ﷺ روایت است:

«الْجَعْفَرِيَّاتُ، أَخْبَرَنَا مُحَمَّدٌ حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنِي مُوسَى حَدَّثَنَا أَبِي عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَتَانِي جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ يَا مُحَمَّدُ كَيْفَ نَزَلَ عَلَيْكُمْ وَ أَنْتُمْ لَا تَسْتَاكُونَ وَ لَا تَسْتَنْجُونَ بِالْمَاءِ وَ لَا تَغْسِلُونَ بِرَأْسِكُمْ.»^۶

جبرئیل ﷺ بر من نازل شد و گفت چگونه بر شما نازل شویم درحالی که مسواک نمی‌زنید و وقتی به دستشویی می‌روید خودتان را با آب نمی‌شوید؟! و غذا که می‌خورید انگشتانتان را نمی‌شوید؟! برخی هستند چون دستمال کاغذی هم زیاد شده است، دستشان را با آن پاک می‌کنند و تمام. می‌گویند نه! حالا با دستمال کاغذی خشک می‌کنید خوب است، بد نیست اما باید از آب استفاده کنید.

یعنی مسواک زدن آن قدر توصیه شده است که اگر مسواک نزنید مانع نزول فرشتگان بر شما خواهد شد. حال ما می‌گوییم باید محیط شهری، محیط نزول فرشتگان باشد.

۵. من لا يحضره الفقيه، ج ۴، ص: ۵

۶. مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، ج ۱، ص: ۳۵۹

در روایت آمده است:

«... لَوْ تَدُونُونَ عَلَى الْحَالَةِ الَّتِي وَصَفْتُمْ أَنْفُسَكُمْ بِهَا لَصَافَحْتَكُمْ الْمَلَائِكَةُ...»^۷

اگر آن چنان که نزد من هستید، وقتی هم که از من دور می‌شوید هم همان‌طور باشید، ملائکه با شما مصافحه می‌کنند؛ یعنی شأن بشر این است که با ملائکه زندگی کنند.

در روایت وارد شده است که ائمه اطهار علیهم‌السلام می‌فرمایند:

«بصائر الدرجات مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ عَنِ الْبَرْقِيِّ عَنْ فَضَالَةَ بْنِ أَيُّوبَ عَنْ شُعَيْبٍ عَنِ الْحَارِثِ التَّضَرِّيِّ قَالَ: رَأَيْتُ عَلَى بَعْضِ صِبْيَانِهِمْ تَعْوِيداً فَقُلْتُ جَعَلَنِي اللَّهُ فِدَاكَ أَمَا يُكْرَهُ تَعْوِيدُ الْقُرْآنِ تُعَلَّقُ عَلَى الصَّبِيِّ قَالَ إِنَّ ذَا لَيْسَ بِذَا إِنَّمَا ذَا مِنْ رِيشِ الْمَلَائِكَةِ إِنَّ الْمَلَائِكَةَ تَطْفُؤُنَا وَتَمْسَحُ رُءُوسَ صِبْيَانِنَا»^۸

ملائکه می‌آیند و روی فرش‌های ما و روی محل نشستن ما پا می‌گذارند؛ نه اغراق است، نه مبالغه! نه تنها تطفؤ فرش ائمه اطهار علیهم‌السلام که حتی تطفؤ فرش‌های مؤمنین «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۹ هم است. یکی از چیزهایی که باید در زندگی شهری رعایت شود، همین مطلب است؛ یعنی ما باید زندگی شهری را به‌گونه‌ای بسازیم که محل رفت‌وآمد فرشتگان باشد. این شعر و مجاز نیست و حقیقتاً این‌طوری است. یکی از چیزهایی که فضای شهر را برای نزول ملائکه فراهم می‌کند نظافت شهری و نظافت خود انسان است، «كَيْفَ نَنْزِلُ عَلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تَسْتَاكُونَ».

زمانی که در خارج از کشور بودیم، یکی آمد پیش ما مسلمان شود. خیلی هم جوان بود، پانزده شانزده سال داشت. گفت، مادرم خیلی مخالفت می‌کند. گفتم چه می‌گوید؟ گفت می‌گوید مسلمان‌ها وقتی دستشویی می‌روند، خودشان را با دست پاک می‌کنند. گفتم: «نه! ما هم دستمال کاغذی استفاده می‌کنیم و هم از آب»؛ اول دستمال کاغذی و بعد هم آب. آن نظافت اولی این است، هم استعمال خرقة و هم استنجاء بالماء؛ یعنی اکتفاء به خرقة نشود. در قدیم عرب‌ها قبل از اسلام، اکتفاء به خرقة یا گاهی با سنگی چیزی بود اما روایت می‌فرماید: «كَيْفَ نَنْزِلُ عَلَيْكُمْ... وَلَا تَسْتَنْجُونَ بِالْمَاءِ».

یعنی این قدر تنظیف فردی بر نزول ملائکه بر فرد تأثیر دارد و تنظیم اجتماعی هم به همین شکل است. در شهر و محیطی که انسان زندگی می‌کند، چقدر بر نظافت مساجد و بر تطیب و خوش‌بو شدن تأکید شده است که از این استفاده می‌شود که حتی خوش‌بو کردن محیط شهری با کاشتن گل‌های خوش‌بو، تأثیر معنوی دارد؛

۷. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص: ۱۰۹

۸. بحار الأنوار (ط - بیروت)، ج ۲۶، ص: ۳۵۴ و ۳۵۵

۹. الأحقاف: ۱۳

یعنی نه تنها تأثیر جسمانی در فضای شهر دارد بلکه تأثیر معنوی هم دارد. لذا شهردارها و مدیران شهری باید توجه داشته باشند و مثلاً اگر گل می کارند، گل خوش بو بکارند. گل خوش بو کاشتن که فضای شهر را خوش بو کند، محبوبیت شرعی هم دارد و از روایات استفاده می کنیم که این کار فضای شهر را معنوی می کند.

و صلی الله علی محمد و آله و سلم